

آینة

برجام از حرف تا عمل

● **داوود هرمیداس باوند:** معنی و مفهوم برجام این بوده است که ایران بخشی از فعالیت‌های هسته‌ای خود را کاهش دهد که تا به امروز آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرده است‌که ایران به‌طور کامل پایبند به تعهد خود بوده است ولی آنها تحریم‌های خود را پس از خروج آمریکا از برجام برداشتند و تحریم‌ها علیه ایران با وجود اجرایی‌بودن برجام عملی شد و این موضوع باعث شد که ایران در شرایط اقتصادی بسیار شکننده‌ای قرار بگیرد. بنابراین نامه روز گذشته از سوی رئیس‌جمهور ایران را می‌توان یک اخطار و هشدار به طرف‌های باقی‌مانده در برجام دانست. آنها باید تکلیف خود را در برابر برجام روشن کنند. آنها تعهد خود را به برجام باید به صورت عملی نشان دهند. آنها اکنون اگرچه با خروج آمریکا از برجام مخالف هستند و مخالفت عملی خود را نشان نداده‌اند. از همین رو می‌توان نامه روز گذشته را یک هشدار و حتی شبه اوتیپاتوم به طرف‌های باقی‌مانده در برجام دانست.

ایستادگی

کام‌دوم برجام

● **رضا نصری، کارشناس حقوق بین‌الملل:** هم‌زمان با اعلام اقدام متقابل نخست ایران در چارچوب برجام، رئیس‌جمهور به تبعات «غیربرجامی» فشار اقتصادی به ایران نیز اشارات مهمی داشت. او به سران اروپایی یادآوری کرد که ایران در خط مقدم «مقابله با قاچاق مواد مخدر و ترانزیت آن به اروپا» قرار دارد و در مهار موج مهاجرت به این قاره نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. اشاره او حاوی این پیام مهم است که ایران هم‌اکنون به‌طور فعالانه و با صرف هزینه مادی و انسانی فراوان، در تأمین امنیت اروپا تأثیر اساسی و قابل ملاحظه‌ای دارد و صرف «انفعال» ایران در این حوزه‌ها، هزینه‌های سنگینی به اروپا تحمیل خواهد کرد. در واقع، رئیس‌جمهور بر این حقیقت تأکید داشت که با وجود تبلیغات منفی آمریکا – ایران در سطح منطقه و جهان، با تقبل مسئولیت‌های سنگین، «نقش سازنده‌ای» ایفا می‌کند و منافع اقتصادی آن ناگزیر به امنیت اروپا پیوند خورده است.

کیان

دیر هنگام بودا مضروری

● **حسین شریعتمداری:** شورای عالی امنیت ملی با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که ۵ ماه به ۵ کشور طرف مقابل (انگلیس، فرانسه، آلمان، روسیه و چین) مهلت می‌دهد که به تعهدات برجامی خود عمل کنند و به عنوان اولین گام، اعلام شد که «ایران دیگر خود را متعهد به رعایت محدودیت‌های «تبدیل‌پذیری» ذخایر اورانیوم غنی‌شده» و «ذخایر آب‌سنگین» نمی‌داند و به کشورهای باقی‌مانده در برجام ۶۰ روز برای اجرای تعهدات خود یوبزه در حوزه‌های بانکی و نفتی فرصت می‌دهد... محتوای بیانیه در تراز اقتدار مثال‌زدنی ایران اسلامی نبود و می‌توانست از موضع بلندتر و برجسته‌تری که با جایگاه مقتدرانه کشورمان همخوانی داشته باشد مطرح شود. مثلاً؛ بود اقدامی که ایران به عنوان اولین گام از توقف آن خبر داده است (خودداری از نگهداری ذخایر اورانیوم غنی‌شده و ذخایر آب‌سنگین)، اقداماتی است که پیش از این از سوی آمریکا ممنوع شده بود؛ بنابراین نمی‌تواند یک اقدام تنبیهی تلقی شود؛ تاسف‌آور آنکه آقای طرف در همین زمینه توثیت می‌کند: «ایران اقداماتی را متوقف کرد که آمریکا اجرای آنها را ناممکن ساخته بود»؛ این اظهار نظر آقای طرف می‌تواند دشمن را با این اشتباه در محاسبات روبرو کند که بیانیه اخیر را چندان هم جدی نگیرد!

ایران

توازن در اقدام: برای حفظ برجام!

● **علیرضا اکبری، کارشناس مسائل راهبردی:** فروپاشی برجام به هر دلیلی بزرگ‌ترین ساختمان نظام هسته‌ای جهان را فرو خواهد پاشید؛ حتی تصور احتمال خروج ایران از برجام و سپس نپت برای ساختار امنیتی جهان و ساختار امنیتی آمریکا، وحشت‌آور است! این معنا را بیش از ترامپ و تیم او، عقلای ساختار سیاسی امنیتی آمریکا بخوبی واقفند. اروپا و روسیه و چین نیز به رموز این مسأله وقوف کامل دارند از سوی دیگر ما «منافع فوری» و «منافع ضروری»، شاید بر گزینه «منافع بلندمدت» غلبه کند. مانع حسن اقدام اروپا و روسیه و چین، نگرانی از دیگر منافع اقتصادی فوری و ضروری است که ممکن است در پرتو لجاجت ترامپ از دست برود. اما، در هر حال، هم گروه ۳+۲ و هم آمریکا، باید دست به یک انتخاب بزنند؛ بازگشت به اجرت تعهدات خود، حفظ برجام، و پاسداشت صلح و امنیت و تأمین منافع بلند جمعی یا عدول از تعهدات، فروپاشی برجام، تهدید صلح و امنیت، و حفظ منافع کوچک‌تر ما فوری؟ حقیقت این است که جمهوری اسلامی ایران بر مبنای اصول و ارزش‌های ملی و نظام بین‌المللی وارد مذاکراتی شد که محصول آن «برجام» بود؛ برنامه جامع اقدام مشترک یا هر ویژگی که داشت، توانست فرصت بسیار بزرگی را برای تفاهم و تعامل مثبت در نظام بین‌الملل خلق کند. هرچند ایران، به توافقی وارد شد که منجر به تعطیلی موقت یا طولانی بخشی از حقوق و اختیارات ملی ما شد، اما در مقابل، تعهداتی از مجموعه قدرت‌های جهانی گرفت که «نوعی توازن» در هزینه و دستاورد، برای طرفین ایجاد کرد.

politics@sharghdaily.ir

سیاست

بررسی سیاست‌های بهنگام و نابهنگام در گفت‌وگو با محمدرضا تاجیک:

اکنون چه باید کرد؟



عکس: ژنوفهر رستنی

وضعیتی است که حتی اگر تدبیر قفل نکند، وقتی جاری می‌شود، بر دامنه بحران می‌افزاید و مشکل را حل نمی‌کند و خودش جزئی از مشکل می‌شود و تدبیر نمی‌کند؛ یا به تعبیر مولانا، این عمارت که می‌کند، عمارت نمی‌کند، (بلکه) ویران می‌کند. بنابراین، وضعیت پارادوکسیکالی اتفاق می‌افتد که با قفل می‌کند یا اگر هم جاری می‌شود، خودش به مشکل می‌افزاید. این نابهنگامی شرایط جامعه کنونی، چنین وضعیتی را ایجاد می‌کند که تدبیر در جایی قفل می‌کند و کارآمدی ندارد؛ یا وقتی جاری می‌شود، به علت اینکه درخور و بهنگام نیست، نوشداروی بعد از مرگ سهراب می‌شود و بر درد می‌افزاید و خودش جزئی از مشکل می‌شود نه جزئی از راه‌حل مشکل. این اتفاق را متأسفانه در جامعه امروز می‌توان مشاهده کرد.

● **ابن وضعیت در حال حاضر خیلی ملموس است و خواننده می‌تواند آن را با وضعیت حاضر تطابق دهد. این سؤال را از این جهت می‌پرسم که به بغیر نبودن شرایط بی ببریم؛ آیا مقطعی بوده است که چنین شرایطی داشته باشیم؟ یا الان در بدترین نقطه زمانی و مکانی ایستاده‌ایم؟**
تاریخ ما پر از شرایط بحرانی است که در تجربه زیستی تاریخیمان از سر گذرانده‌ایم. بحران‌های متفاوت داخلی و خارجی‌ای داشته‌ایم و همواره به نوعی قنقوس‌وار از خاکستر خودمان برخاسته‌ایم. راز تداوم تاریخی ما هم همین است. جامعه ما با همه‌های گوناگون مواجه بوده و تاریخ ما سرشار از همه‌ها و تروماهایی است که ایرانیان بر سر شکست‌ها، ناکامی‌ها و روان‌زخم‌های مختلفشان همواره تجربه کرده‌اند، اما راه برین رفت را از شرایط یافته‌اند. معتقدم سאלک به تدبیر حافظ، در تحلیل نهایی، رمز و راز منزل‌ها را می‌داند و باید بطور باید از اینها عبور کند، اما در این مسیر هزینه‌های بسیاری را پرداخت خواهیم کرد. از نظر من، به لحاظ تاریخی شاید کمتر مقطعی در تاریخ ما وجود داشته باشد که بتواند شرایط کنونی را داعی کند یا تکرار شرایط کنونی باشد. شرایط اکنون ما، شرایط بسیار پیچیده داخلی و خارجی است؛ به‌ویژه اینکه در این جامعه، انقلابی انجام شده که نوید نظام و نظمی متفاوت را داده ، ولی به هر علتی، در تحقق آرمان‌ها و ارزش‌هایش و آنچه به صورت ایدئال‌ها به مردم ارائه کرده، دست نیافته است. مضافاً اینکه شاید در طول تاریخ شرایط خارجی‌مان این قدر ملتهب نبوده است؛ یعنی در عرصه سیاسی، محیطی منطقی و ملتهب و بسیار اتانگونیستی را تجربه می‌کنیم؛ یعنی حتی نتوانسته‌ایم در کشورمان با کشورهای مسلمان زنجیره دوستانه ایجاد کنیم. در محیط‌های فراتر نیز همین‌طور است. در محیط فرامنطقه‌ای که اروپا و آمریکا و کشورهای ابرقدرت هستند، نتوانسته‌ایم رابطه استراتژیک دوستانه‌ای ایجاد کنیم. بنابراین شرایط بیرونی نیز ملتهب است. پس یک شرایط درونی داریم که وضعیت‌های ناوضعیت در حال تقاطع هستند و یک وضعیت نابهنگامی در تصمیم‌گران منزل داریم. از طرفی یک محیط بین‌المللی و فراملی و منطقه‌ای و ملتهب و اتانگونیستیک نیز داریم که در این فضا به نظر می‌رسد شاید یک ابرمؤلفه باید حاصل شود که این ساخت‌ها را به‌هم بخیه‌دوزی کند. در غیر این صورت، شرایطی که به هم پیوند می‌خورد، شرایط بسیار بحرران‌زا و ملتهبی خواهد بود. بنابراین نباید اجازه دهیم این فضا شکل بگیرد. نباید اجازه دهیم این ساخت‌ها ملتهب باشند و شرایط درونی‌ما به صورت روزافزون ملتهب شود.

● **بین‌المللی و فراملی منطقه‌ای و ملتهب و اتانگونیستیک نیز داریم که در این فضا به نظر می‌رسد شاید یک ابرمؤلفه باید حاصل شود که این ساخت‌ها را به‌هم بخیه‌دوزی کند. در غیر این صورت، شرایطی که به هم پیوند می‌خورد، شرایط بسیار بحرران‌زا و ملتهبی خواهد بود. بنابراین نباید اجازه دهیم این فضا شکل بگیرد. نباید اجازه دهیم این ساخت‌ها ملتهب باشند و شرایط درونی‌ما به صورت روزافزون ملتهب شود.**

ن نباید به نابهنگامی تدبیر اجازه هیم و نباید به شرایط اتانگونیستی فراملی اجازه (بروز) دهیم. اگر اینها ادامه پیدا کند، به نظرم دیر یا زود یک جا با هم قفل می‌شوند که شرایطی خواهد بود که به تعبیر هایدگر، فقط خدا می‌تواند به ما کمک کند. ● **از بیان موارد و شرایط، شاید جمع‌بندی من این باشد که ما از یک خلا و فقدان تصمیم‌گیری یا تصمیم‌گیری درست رنج می‌بریم یا اینکه در تصمیم‌گرفتن‌ها وابسته به ایدئولوژی و بحث معرفت‌شناختی که اشاره کردید، هستیم. همین امر باعث عدم فهم و درک از اتفاقی می‌شود که در این شام می‌برد، ما را به وضعیت‌انگداسی و بحران‌های مسئولان می‌رساند. وضعیت انعکاسی**

رخ می‌دهد این است که (مردم) حتی زیبایی‌ها را هم نمی‌بینند، زیبایی‌ها را هم زشت می‌بینند، حتی نقاط قوت را به ضعف تعبیر می‌کنند، سپیدی‌ها را نمی‌بینند، آنها را هم سیاه می‌بینند. این، یک نوع تحولی است که در نوع نگاه مردم وجود دارد و ریشه آن برمی‌گردد به ناموفق بودن حکومت در متال مردم؛ چراکه تمام تدبیر آن به سمت جسم جامعه رفته است. تمام توجهش این بوده است که نان و ماست گران نشود و سیب‌زمینی و پیاز در بازار باشد. اما اگر به متال مردم توجه نکنیم مردم در اوج فراوانی اوضاع را سیاه می‌بینند و ثباتی را نمی‌بینند. بنابراین باید آن فضا تمهید شود که به نظرم دولتمردان از تمهید این فضا قاصرند.

● **اشاره کردید به مجموعه سیاست‌های نابهنگام که خودش را در کنش مردم نشان می‌دهد. اگر به چند سال اخیر دقت کنیم شاید دی ۹۶ می‌توانسته نمونه کوچکی از بروز ریزش مردم نسبت به اتفاقات باشد. به نظر شما، الان که شرایط متفاوت‌تر از ۹۶ است، چه باید کرد؟**

اول ببینیم مشکل کجاست. به تعبیر مولانا تفاوت در نظرگاه‌هاست. تفاوت در نوع نگاه انسان‌هاست. چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید. به قول مولانا «پیش چشم‌ت داشتی شیشه کبود، زان جهت عالم کبودت می‌نمود». مشکل این نوع قرائت این است که اول، فرض این است که کثیری از انسان‌های جامعه، اسیر گزندگريستن خودشان هستند و به تعبیر ژیزک اسیر ناجور نگريستن‌شان هستند. پرده‌ای روی چشم‌هایشان قرار گرفته و نگاه دل و سرشان حجاب دارد و آنچه را آنها می‌بینند، (دیگران) نمی‌بینند. حتی اگر در این موضوع یعنی نوع نگاه تردید نکنیم؛ چگونه است که تئوری‌گران منزل نمی‌توانند نگاهشان را به جامعه تسری دهند؟ چگونه است که جدایی میان برخی از مردم و اصحاب قدرت در نوع نگاه و برداشت حادث شده است؟ چطور نمی‌توانند وارد عالم نظر، احساس و ذهن مردم شوند و کاری کنند که مردم آنچه را آنها می‌بینند، ببینند. آنها هستند که جامعه را هدایت می‌کنند و باید تلاش کنند ذهن و نگاه جامعه را مدیریت کنند. نگاه و ذهن و درک جامعه به سوی دیگر می‌رود، باید ببینند مشکلشان چیست؟ نمی‌توانند بگویند مشکل من نیست. دومین مشکلی که من با این فضا دارم این است که امری آن‌قدر محسوس است که نیازمند مشاهده است نه نیازمند تحلیل، احتیاج نداریم که دستگاه‌های نظری آنها را تحلیل کنیم. احتیاج نداریم تحلیل انتزاعی داشته باشیم. بلکه باید (به آنها) تأکید کرد، فاصله‌ای را که گفتم، کم کن و بیا بین مردم. مقام مسئول باید یک روز به بازار رت‌ه‌بار برود یا به خیابان برود و ببیند مردم چه شرایط زیستی دارند. باید ببیند طبقات مردم با چه شرایطی زندگی می‌کنند. در طول تاریخ بسیاری از امپراتوری‌ها ساقط شده‌اند. خیلی از این امپراتوری‌ها به لحاظ وسعت سرزمینی ماشاءالله نصف جهان بودند، اما یک عامل دیگر موجب فروپاشی شد. در حقیقت تاریخ انقراض بشریت تاریخ اسقاط امپراتوری‌هاست. امپراتوری ایرانی تاریخ مغلوب شد، در شرایطی بود که شاهان آن معتقد بودند که بر سرزمین‌های وسیعی سيطرة دارند و هیچ‌گاه خورشید در هیچ کجای سرزمینشان غروب نمی‌کند. معتقد بودند که خورشید قدرت هم هیچ‌گاه در میان آنها غروب نمی‌کند، اما در است و ممکن است این مرض سرطان باشد یا یک نوع اسکودرما که جامعه امکان دافعاش را از دست می‌دهد. این ممکن است یک نوع هیستری یا مازوخسیم باشد که جامعه به خودآزاری افتاده باشد یا یک بیماری پارانویا باشد و جامعه تصور کند کسی او را اذیت می‌کند و دستی روح و روانش را اذیت می‌کند؛ بیماری‌هایی که امروز در جامعه ما به اشکال گوناگون در جریان است. طبیعی است تدبیرگران منزل هستند که باید این فضا را مرتفع کنند که جامعه دچار احساسات غریب و شگرف نشود که خودش و دیگران را اذیت می‌کند. مشکل اینجاست که صداها شنیده نمی‌شود. این اذیت صدای تاریخ و جامعه ماست که در دی‌ماه بروز کرد. برخی از ساحت منظری خودشان را در بیرون رچی می‌کنند؛ چون اذیت می‌شوند و گوش‌ها و چشم‌های‌شان را می‌بندند که نبینند و نشنوند؛ اما به این معنا نیست که (چیزی) وجود ندارد. جامعه ما به دلایل زیادی مستعد بروز رخداد‌های گوناگون است و این رخداد‌ها می‌تواند آسیب‌زا باشد و باید از عالم انضمامی پا بگذاریم. از عرش نظری‌مان به فرش جامعه پا بگذاریم و ببینیم روی این فرش چه اتفاقاتی می‌افتد، کج‌ها نخ‌نما شده و رنگش رفته و مسائل مختلف را ببینیم و تلاش کنیم این فرش را ترمیم کنیم. اجازه ندهیم پوسیدگی زیادتز شود؛ چون ترمیم سخت‌تر خواهد شد. این وضعیت کنونی و ضرورت کنونی ماست که باید درک شود.

رديپاها وجود دارد و چشم بصيرت لازم است که ببيند اينها رديپا چه حوادثي است. امروز به دليل شرايط خاص جامعه به لحاظ اجتماعي، اقتصادي و مسائل درون و بيرون، اين رديپاها محسوس و قابل رويت است و بايد نظاره کرد. از شرايطی که انسان‌ها صبرکنم هستند؛ گوش دارند و نمی‌شنوند، چشم دارند و نمی‌بینند، زبان دارند و نمی‌توانند سخن بگویند، خارج شوند و درباره رديپاها و نشانه‌ها دقت کنند. امروز نیاز داریم به اصحاب سیاسي که از علم نشانه‌شناسی برخوردار باشند و از نشانه‌ها يي ببرند که چیزی در راه است و ممکن است این مرض سرطان باشد یا یک نوع اسکودرما که جامعه امکان دافعاش را از دست می‌دهد. این ممکن است یک نوع هیستری یا مازوخسیم باشد که جامعه به خودآزاری افتاده باشد یا یک بیماری پارانویا باشد و جامعه تصور کند کسی او را اذیت می‌کند و دستی روح و روانش را اذیت می‌کند؛

● **بیماری‌هایی که امروز در جامعه ما به اشکال گوناگون در جریان است. طبیعی است تدبیرگران منزل هستند که باید این فضا را مرتفع کنند که جامعه دچار احساسات غریب و شگرف نشود که خودش و دیگران را اذیت می‌کند. مشکل اینجاست که صداها شنیده نمی‌شود. این اذیت صدای تاریخ و جامعه ماست که در دی‌ماه بروز کرد. برخی از ساحت منظری خودشان را در بیرون رچی می‌کنند؛ چون اذیت می‌شوند و گوش‌ها و چشم‌های‌شان را می‌بندند که نبینند و نشنوند؛ اما به این معنا نیست که (چیزی) وجود ندارد. جامعه ما به دلایل زیادی مستعد بروز رخداد‌های گوناگون است و این رخداد‌ها می‌تواند آسیب‌زا باشد و باید از عالم انتزاع خودمان به عالم انضمامی پا بگذاریم. از عرش نظری‌مان به فرش جامعه پا بگذاریم و ببینیم روی این فرش چه اتفاقاتی می‌افتد، کج‌ها نخ‌نما شده و رنگش رفته و مسائل مختلف را ببینیم و تلاش کنیم این فرش را ترمیم کنیم. اجازه ندهیم پوسیدگی زیادتز شود؛ چون ترمیم سخت‌تر خواهد شد. این وضعیت کنونی و ضرورت کنونی ماست که باید درک شود.**

● **اگر پول و سرمایه‌ای داشته باشند، آن را از کشور خارج می‌کنند و تلاش می‌کنند حتی با خرید خانه و بردن امکانات به خارج از کشور، شهروند کشور دیگری شوند. چون شرایط را باثبات نمی‌بینند. مهم است که چگونه تدبیرگران منزل متوجه نبوند که تدبیری برای این نگاه مردم یا متال مردم نبینند. به قول فوکو دوران گاورمنت‌ها به‌سر آمده و دوران گاورمنت‌الیتی فرارسیده است. گاورمنت‌ها امروز گاورمنت‌الیتی هستند. گاورمنت‌هایی هستند که بیش از آنکه به جسم و تجسد جامعه کار داشته باشند، به روح و ذهنیت جامعه کار دارند که بتواند مدیریت کرده و زیبایی جامعه را ببینند؛ یعنی زیبایی آن را هم زشت نبینند. امروز اتفاقی که در جامعه**

ادامه در صفحه ۱۵

روزنه

معاون سیاسی سپاه:

ملت ایران به مذاکره تحت فشار تن نخواهد داد

● **تسنیم:** معاون سیاسی سپاه درباره اظهارات اخیر ترامپ گفت: مذاکره‌ای با آمریکایی‌ها انجام نخواهد شد و آمریکایی‌ها هم جرئت اقدام نظامی علیه ما را نخواهند داشت. ترامپ فکر می‌کرد با تحریم‌ها و فشارهای جدیدی که آمریکا پس از خروج از برجام بر جمهوری اسلامی تحمیل می‌کند، ایران دچار نوعی به‌هم‌ریختگی داخلی می‌شود و در نهایت به مذاکره و گفت‌وگو با آمریکا تن خواهد داد اما در عمل چنین اتفاقی نیفتاد.

سردار یدالله جوانی ادامه داد: در سال ۹۷ تصور تیم ترامپ بر این بود که ایران دچار یک آشفتگی خواهد شد و برای راهیای از فروپاشی تن به مذاکره با آمریکا خواهد داد اما در عمل چنین اتفاقی نیفتاد و آمریکایی‌ها به این جمع‌بندی رسیدند که باید چیزهای دیگری را چاشنی این تحریم‌ها کنند. او افزود: در سال جاری شاهد ایسن بودیم که از یک طرف سپاه را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دادند و از طرف دیگر ناو هواپیمابر خودشان را به منطقه اعزام کردند و یک نوع ادبیات جنگی را در پیش گرفتند. به نظر می‌رسد تصور آنها این است که اگر یک نوع ادبیات نظامی را چاشنی تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی خودشان بکنند، ملت ایران مرعوب شده و دولتمردان جمهوری اسلامی تن به مذاکره می‌دهند. این همان چیزی است که ترامپ در سخنان اخیر خودش اعلام کرده آماده است تا مقامات جمهوری اسلامی با او تماس بگیرند و پای میز مذاکره بنشینند.

معاون سیاسی سپاه عنوان کرد: آمریکایی‌ها دچار نوعی برآشفتنگی و عصبانیت هستند و به‌خاطر دست‌یابی‌ها که دارند، هراتجه در توان دارند، به میدان آورده‌اند تا بتوانند مقاومت ۴۰ساله ملت ایران را بشکنند و نماد این امر هم تن‌دادن جمهوری اسلامی به مذاکره تحت‌فشار با دولتمردان آمریکا است.

او با بیان اینکه ملت ما به‌خوبی این صحنه را می‌شناسد و آمریکا را غیرقابل‌اعتماد می‌داند، گفت: تجربه ۴۰ساله ملت ما و هوشیاری مسئولان و راهبردهای مقام معظم رهبری، کاملاً مشخص کرده است که ملت ایران یک راه بیشتر برای پیروزی ندارد و آن‌هم ایستادگی است که امروز در داخل کشور شاهد یک اجماع ملی بی‌نظیر برای اجرای اهربرد ایستادگی هستیم.

سردار جوانی گفت: بعد از اینکه شورای عالی امنیت ملی اعلام کرد پس از بدعهدی آمریکایی‌ها و عدم پایبندی اروپایی‌ها به تعهدات برجامی خودشان، جمهوری اسلامی تصمیم گرفت تا تعهدات خودش را کاهش دهد و یک روندی را در این بیانیه اعلام کرد که روزه‌بروز از تعهدات خودش می‌کاهد. این نشان‌دهنده این است که ملت ایران و نظام اسلامی مقاومت را در پیش گرفته است.

راهپیمایی نمازگزاران در حمایت از بیانیه شورای عالی امنیت

● **ایسنا:** نمازگزاران تهرانی، روز گذشته پس از اقامه نمازجمعه از مقابل در دانشگاه تهران تا میدان انقلاب راهپیمایی کرده و حمایت قاطع خود را از بیانیه شورای عالی امنیت ملی مبنی بر مقابله‌به‌مثل حداقلی در برابر نقض عهد و بدقولی‌های طرفین مذاکره برجام به صحنه ظهور گذاشتند. نمازگزاران با در دست داشتن پلاکاردهایی که بر روی آنها نوشته شده بود، «خروج از برجام عزت ملت ماست»، و «از دولت مقاومت، از ملت حمایت» حمایت خود را از بیانیه شورای عالی امنیت ملی اعلام کردند. در ادامه نمازگزاران با به آتش کشیدن پرچم آمریکا خشم خود را نسبت به بدعهدی و خروج یک‌جانبه آمریکا از برجام نشان دادند. در پایان این راهپیمایی که به‌طور هم‌زمان در تهران و سایر استان‌ها و شهرهای کشور برگزار شد، قطعه‌ها، سراسری در حمایت از اقدام شورای عالی امنیت ملی کشورمان برای کاهش تعهدات برجامی قرائت شد.

در این قطعه‌نامه آمده است: «با توجه به بی‌اثرشدن معاهده برجام و اثبات چندباره بدعهدی طاغوت اعظم و غیرقابل‌اعتماد بودن کشورهای اروپایی، تقویت بنیه اقتصادی کشور با رونق تولید و تحقق عملی اقتصاد مقاومتی، توقف کامل اجرای یک‌طرفه تعهدات جمهوری اسلامی ایران در توافقی‌نامه نقض‌شده موسوم به برجام و خروج کامل از این معاهده در صورت تداوم بدقولی و عهدشکنی کشورهای اروپایی را امری قطعی قلمداد و مصرّانه خواهیم». همچنین در این قطعه‌نامه آمده است: «ملک عمل قراردادن منویات مقام معظم رهبری مدظله العالی – بی‌اعتمادی مطلق به بیگانهان– تسلیم‌نشدن در برابر زاده‌خواهی‌های استکباری مجامع بین‌المللی از جمله سند ننکین ۲۰۳۰ و اف‌ای‌تی‌اف- اقدام جهادی در برابر آرایش جنگی دشمن و مقابله قاطع با پدیده شوم تورم و گرانی و پرهیز از اشرافی‌گری را مطالبه بحق و جدی ملت از مسئولین می‌دانیم».